

سلطانحسین تابنده گنابادی

عارف و سالک طریقت

جمعیت تسلیحات اخلاقی

سئوالات راجع به جمعیت تسلیحات اخلاقی

در اینجا مناسب است سئوالاتی را که در این باره از بعضی دانشمندان جمعیت نموده‌ام باختصار ذکر کنم فقیر در سال ۱۳۷۳ قمری مطابق سال ۱۳۳۳ در ملازمت حضرت آقای والد بزرگوار جناب آقای صالح‌علیشاه قدس سره العزیز برای معالجه مرض پروستات ایشان به ژنو رفتم پس از آنکه عمل جراحی ایشان انجام شد و قدری بهبود یافتند آقای ژاک دو کرسوئیس و ریشارد اشتایری کانادائی و چند نفر دیگر از اعضاء جمعیت برای عیادت خدمت ایشان رسیده و درخواست کردند که پس از بهبودی برای بازدید جمعیت بدانجا تشریف ببرند ایشان بواسطه کسالت قبول نفرموده و پس از اصرار آنها موافقت فرمودند که فقیر و چند نفر از دوستان برویم لذا پس از دو سه روز بدستور آنحضرت با آقای ابوالحسن خان مصداقی و آقای حاج مهدی ملک‌صالحی بطرف منتر و کو حرکت کردیم موقع ورود به کو نهار در رستوران صرف شد البته در تمام این مسافرت و سفر دیگر که بارها رفتم مقید بودیم که ذبیحه آنها نخوریم لذا در همه جا به تخم مرغ و سبزیجات پخته قناعت میکردیم و در آنجا نیز همینطور بود بعداً به جمعیت تلفن نموده ورود خود را اطلاع دادیم روز قبل از آن نیز

آقای دکتر حافظی حرکت ما را اطلاع داده بودند آنها جواب دادند که برای ناهار انتظار داریم ولی ما عذرخواستیم و پس از ناهار به محل جمعیت رفتیم این محل عبارت از يك هتل مجلل است بنام مونتن هاوس که ابتدا از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۴ برای هتل ساخته شده بود و هشت طبقه دارد موقع ورود یکنفر برای راهنمایی انتظار ما را داشت و در داخل هم سه نفر ما را استقبال نموده و ابتداء ما را به اطاق پذیرائی بردند من از محبت آنها تشکر کرده و آنها نیز از ملاقات ما ابراز مسرت نمودند . سپس از نام آنها سؤال کردم آنها خود را معرفی نمودند یکی از آنها همان ژاک دو کرسوئیزی و دومی هم ریشار استابری کانادائی و دونفر دیگر انگلیسی بنام داوید هیند و آرچی و بنان بودند آنها اظهار کردند که روز جمعه چهارم ژوئن ۱۹۵۴ (دوم شوال ۱۳۷۳) چهاردهم خرداد ۱۳۳۳ کنفرانس جمعیت در همین محل افتتاح میشود و مستر گلدنیک هم که با او اظهار آشنائی میکنید میآید و خوبست شما هم در آن موقع شرکت کنید فقیر اظهار تشکر نموده ولی قول قطعی ندادم .

سپس سئوالات زیر را درباره جمعیت از آنان نمودم :

متظور از تشکیل جمعیت و مرام آنان چیست ؟ گفتند مرام جمعیت در چهار چیز خلاصه میشود :

- ۱ - پاکی مطلق . ۲ - بی غرضی و ترك علاقه انفرادی و گذشت در مقابل
 - مصلح جامعه . ۳ - عشق و محبت . ۴ - امانت و درستکاری .
- این جمعیت کوشش میکند که این چهار چیز را در جامعه بشری اشاعه دهد بطوریکه روح نفاق و اختلاف و جنگجویی که ناشی از اغراض شخصی و منافع مادی افراد و جوامع مختلفه است رخت بر بندد و صلح و صفا و صمیمیت و یگانگی و محبت و حسن تعاون جایگزین آن شود و جامعه اصلاح گردد و آن

نیز بسته باصلاح افراد است و اساس اصلاح جامعه همین چهاراست دو کتاب که مربوط بهمرامنامه جمعیت است یکی بنام ساختمان نوین جهان که روبرت شومان وزیر خارجه اسبق فرانسه مقدمه ای بر آن نوشته و دیگری بنام جهان نوین بمن اهداء نمودند .

فقیر فکر جمعیت را برای اصلاح جوامع ستوده و اظهار کردم که من بشما در این فکر نیک و قدم خیر خواهانه که بر میدارید تبریک میگویم و موفقیت شمارا خواستارم ولی این فکر در چهارده قرن پیش توسط پیشوای بزرگ و پیغمبر عالیقدر اسلام محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله و بعداً دوازده نفر جانشینان آن بزرگوار ظاهر شده و دستورات دقیق در این باره فرموده اند و عرفای اسلام نیز به پیروی از آن بزرگواران قدم برداشته و عملاً نشان داده اند چنانکه مولوی بلخی علیه الرحمه در مثنوی و شیخ فرید الدین عطار و شیخ سعدی و خواجه نصیر الدین طوسی و شاه نعمت الله ولی و مرحوم حاج سلطان محمد سلطانعایشاه گنابادی جد من و سایرین در کتب خود مفصلاً ذکر نموده اند و ریشه این عقیده و مرام از اسلام پیدا شده و عرفای اسلام هم از آنان پیروی نموده و ما هم به پیروی آن راد مردان افتخار میکنیم *و مطابقت فرستی*

آنان از مذاکرات فقیر ابراز مسرت نموده گفتند ما نیز همین مرام را پیروی میکنیم و بدستورات پیشوای اسلام احترام تمام میگذاریم سپس از مؤسس و مبتکر تأسیس جمعیت پرسیدم گفتند مؤسس آن مستر فرانک بوخمن است که در تأسیس این جمعیت پیشقدم شد و دارائی خود را صرف این کار کرد و اکنون این افتخار بنام او در جهان ثبت شده است .

گفتم عده جمعیت و کشورهاییکه در آن عضویت دارند چیست ؟ جواب دادند که چون این جمعیت سیاسی نیست بلکه اخلاقی صرف است آماری

برای آن و دفتری برای ثبت اسامی در مرکز جمعیت نداریم بلکه فقط در شعب جمعیت برای اینکه بتوانند با آنها ارتباط داشته باشند نام آنها موجود است و در یکی از کنفرانسهای جمعیت حدود شصت هزار نفر از نطقهای گویندگان آن استفاده کرده‌اند ولی از همه کشورهای دنیا در آن عضویت دارند از جمله در ایران عده زیادی با ایمان و با ثبات از اعضای جمعیت میباشند و این جمعیت در پاریس و بن و لندن و هلند و هند و پاکستان و ایتالیا و آمریکا و کانادا و ژاپن هم شعبه دارد و دارای عضو میباشند و در ایران هم شعبه آن بزودی دایر میگردد (۱).

گفتم اگر عدهٔ اعضاء و نام آنها ثبت نیست بچه وسیله مطالب و تصمیمات لازمه و تاریخ کنفرانسها را با اطلاع آنان میرسانید؟ گفتند غالباً بوسیله شعب که در خارج داریم اطلاع میدهیم و در محالکی هم که شعبه نداریم بوسیله آگهی در جراید اطلاع میدهیم.

پرسیدم از چه مذهب و دیانت اعضاء میپذیرید گفتند در عضویت این جمعیت تقید به مذهب و دیانت مخصوصه نیست و از هر مذهبی میتواند در این جمعیت عضویت داشته باشد و لازمهٔ ورود در این جمعیت فقط اعتقاد بخداوند است و اگر کسی معتقد بخداوند نباشد ابتدا اعتقاد بخداوند را باو تلقین میکنیم اگر پذیرفت بعداً او را در جمعیت می‌پذیریم چنانکه تاکنون چندین نفر کمونیست از ممالک مختلفه عضویت را پذیرفته و تدریجاً بر اثر تعالیم جمعیت بکلی از عقیده خود برگشته و بخدای یکتا معتقد شده‌اند و بهمین جهت آنها را از حزب اخراج نموده‌اند.

(۱) اتفاقاً بعداً شعبهٔ این جمعیت در طهران توسط جناب آقای حاج ابوالفضل حاذقی تأسیس شد و ایشان متأسفانه در ذیحجه ۱۳۹۷ در مسافرتی که بهمین منظور به تبریز نمودند در آنجا بر اثر سکت از دنیا رفتند و دوستان را سوگوار نمودند رحمة الله علیه.

گفتم از شخصیت‌های معروف جهانی چه کسانی در اینجا عضویت دارند گفتند مردان زیادی از کشورهای مختلف جهان و از احزاب مختلفه عضویت دارند از جمله دکتر ادناتر صدر اعظم آلمان و مسیوشومان وزیر خارجه اسبق فرانسه و محمدعلی جناح قائد پاکستان عضویت این جمعیت را دارند .

گفتم آیا این جمعیت در سیاست و امور سیاسی نیز دخالت میکند یا نه گفتند جمعیت از نظر شخصیت حقوقی و اجتماعی که دارد بهیچوجه در امور سیاسی دخالت نمیکند و دخالتی هم که بنماید از نظر اخلاقی است مثلاً در موضوع سار که مورد اختلاف آلمان و فرانسه است ما کوشش داریم که شاید بتوانیم از نظر اخلاقی آنرا با مسالمت حل نمائیم

گفتم با عضویت دکتر آدناتر و مسیوشومان چگونه خودشان ب فکر اصلاح و حل نیستند و در این صورت عضویت آنها در این جمعیت اثر عملی ندارد و فقط ظاهری است گفتند البته اعضای جمعیت هم حتی الامکان جدیت دارند که اختلافات را با روح مسالمت حل کنند ولی در اینجا در کنفرانس‌های جمعیت اصلاً مذاکرات سیاسی نمیکنند در خرج هم جدیت به حل مسالمت آمیز دارند ولی این قبیل امور مربوط بشخص خودشان نیست و ارتباط با منافع ملت و جامعه دارد که حتی الامکان با مسالمت بیگدیگر نزدیک شوند که هم منافع حزبی و کشور خود را حفظ کنند و هم اختلاف را مرتفع سازند و منظور جمعیت هم آنست که افراد بتدریج طوری شوند که منافع خود را با منافع دیگران فرق گذارند و مصالح جامعه را بر مصالح خود ترجیح دهند و در صدد حفظ منافع جامعه خود و بعداً جامعه بشری و سایر افراد باشند .

گفتم اتفاقاً دستورات اسلام همینطور است که آیه شریفه و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة همین معنی را میرساند و اخبار هم در این باره

زیاد است . شیخ بزرگوار سعدی شیراز فرموده :

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی ببرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

و عرفای اسلام عموماً همین رویه را داشته و بدیگران نیز طبق امر اسلام همین دستور را میدادند بعداً از آقایان خواهش کردم محلی را تعیین کنند که نماز بخوانیم و آنها با نهایت خوشروئی اطاق خلوتی نشان دادند و ما پس از تعیین نمودن قبله از روی معرفت القبله و قطب نما نماز خواندیم سپس با آن آقایان که در بیرون منتظر ما بودند در هتل بگردش پرداختیم ابتدا سالن کنفرانس را که گنجایش صدها نفر را داشت دیدیم در این سالن سخنرانها فوراً به چهار زبان (۱) مختلف ترجمه و پخش می شد سپس جزئیات داخل سالن را برای ما شرح دادند و بعداً در سایر قسمتها گردش کردیم . این هتل بطوریکه آن آقایان گفتند در حدود ۳۰۰۰ اطاق برای واردین دارد و در خارج آنهم چند آپارتمان در اختیار جمعیت میباشد و بطور کلی ۱۲۰۰ تختخواب در اختیار دارند .

پرسیدم مخارج جمعیت از کجا اداره میشود گفتند محل معینی ندارد خود دکتر بوخمن قسمت مهمی از دارائی خود را واگذار نموده و بعضی دیگر هم کمکهای دیگری کرده اند کسانی هم که در جمعیت عضویت دارند برای هر تخت افتخاراً ۲۰ فرانک می پردازند و بعضی هم زیاده تر میدهند ولی مهمانهائی که می آیند بطور رایگان پذیرائی می شوند مگر آنکه خودشان بخواهند کمکی بکنند . پرسیدم آیا برای جمعیت دفتر دار و حسابدار مخصوصی هست گفتند چون بهیچوجه جنبه اداری ندارد حسابدار و دفتر دار مخصوصی ندارد و در هر چند

(۱) این قسمت مربوط بقریب بیست سال قبل بوده و البته امروز تشکیلات آن

مفصل تر و جامعتر است .

مدت چند نفر از اعضاء برای امور اداری و حسابداری و تهیه لوازم تعیین میشوند چنانکه در این دوره کنفرانس ما چهار نفر تعیین شده ایم که اکنون چند روز بشروع کنفرانس نمانده لوازم پذیرائی و اردین را تهیه نمائیم فقط هیئت مؤسس و هیئت مدیره معینی هستند که نظم و ترتیب جمعیت را عهده دار میباشند.

پرسیدم مستخدمین اینجا در همان موقع کنفرانس تعیین میشوند یا مستخدمین مخصوص دائمی دارد گفتند مستخدمین معینی هم ندارد بلکه يك عده از جوانان که در جمعیت عضویت دارند در هر دفعه از کنفرانس افتخار خدمات را عهده دار میشوند و حتی طبخ و ظرف شویی و غیر آن را متقبل میشوند در صورتیکه ممکن است خود آنها از خانواده رجال و اعیان و وزراء باشند مثلاً ما تا کنون در منزل خود حاضر نشده ایم ظرف بشوئیم ولی در اینجا با نهایت افتخار این کار را میکنیم و حتی دکتر آدنائر صدر اعظم آلمان با خانم و فرزندان خود میآیند و همه آنها افتخاراً خدمت میکنند. همچنین خانواده های سایر رجال و بطور کلی کسانی که بدینجا می آیند و عضویت دارند در اینجا حکم يك خانواده را دارند و همه با یکدیگر تشریک مساعی می کنند.

پرسیدم خود بوخمن فعلاً چه کاری دارد و از چه راهی زندگی میکند گفتند فعلاً کار معینی ندارد و پس از آنکه همه دارائی خود را برای این امر بخشید دوستان از او پذیرائی میکنند و عهده دار زندگانی او هستند مثلاً يك منزل مجلل بسیار خوب در سوئیس باو اهدا کرده اند سایر امور زندگانی او نیز بهمین ترتیب است و اکنون او در لندن است و برای کنفرانس خواهد آمد.

یکی از همراهان اظهار داشتند که در اسلام دستور داده شده که هیچ فردی نباید بیکار باشد بلکه هر فردی موظف است که زندگانی خود را از راه کار اداره نموده که در هیچ موردی توقع از دیگران نداشته باشد و از دست رنج

